

## Excerpt Translation of Poetry: Conditions and Requirements

M. Fatahipour<sup>1</sup>, S. Tabatabaei<sup>2</sup>

## ترجمه گزینش گرانه شعر: شروط و

### در بایست‌ها

مجید فتاحی پور<sup>۱</sup>، صالح طباطبایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

### چکیده

### Abstract

The translation of long poems tends to be such a demanding job that some translators may content themselves with the rendering of a selection of the poems' lines. Such "excerpt" translations need to meet certain conditions without which they are either far removed or diverted from the true themes and purposes of the originals, despite the fact that they may be apparently faithful to the literal meanings of the words. Having examined an example of Persian translation of a few stanzas from *In Memoriam A. H. H.*, a long poem by Alfred Lord Tennyson, the present paper is going to enumerate the necessary conditions for the sound excerpt translation of poems: the adherence to the "linguistic" and "temporal" contexts of the original poem. The disregard for these conditions in the Persian translation has caused it to be a far cry from what the poem really is about, and none of the translator's comments has compensated for the loss either. Finally, there comes another Persian translation of the same stanzas which has met, along with the aforesaid conditions, other requirements that constitute collectively "the sufficient condition" for a successful excerpt translation of a long poem; this versified translation seems to convey, to some extent, the formal aesthetic aspects of the original too.

**Keywords:** excerpt translation, Linguistic & Temporal context, Aesthetic aspects.

ترجمه منظومه‌های بلند گاهی چنان دشوار می‌نماید که برخی از مترجمان را بر آن می‌دارد که تنها به برگردان ایاتنی گزینشی از آنها بسنده کنند. در این ترجمه‌های «گزینش گرانه»، باید شروطی رعایت شوند که تخلف از آنها ممکن است موجب شود که ترجمه، حتی با وجود دقت در برگردان کلمات شعر اصلی، از جانمایه و غرض اصلی شعر دور افتد و در بدترین حالت، برگردان محرفی از آن باشد. مقاله حاضر بر آن است تا ضمن بررسی نقادانه نمونه‌ای از ترجمه فارسی بندهایی از منظومه بلند به یادبود ای. اچ. اچ. سروده آلفرد لرد تیسون، شروط لازم ترجمه گزینش گرانه شعر را برشمارد، که عبارت‌اند از حفظ زمینه‌های «زبانی» و «زمانی» شعر اصلی. عدم توجه به این در بایست‌ها در ترجمه مورد نظر موجب شده است که جانمایه و غرض شعر یکسره متفاوت با آنچه هست به نظر آید، آن‌چنان که تعلیقات مترجم نیز به جبران این مشکل کمترین کمکی نکرده است. در پایان، ترجمه فارسی دیگری از همین بندهای شعر ذکر می‌شود که در آن، در بایست‌های دیگری که، در کنار شروط مذکور، بر روی هم، «شرط کافی» برای امکان ترجمه گزینش گرانه شعر شمرده می‌شوند، رعایت شده است؛ می‌توان گفت که این ترجمه منظوم، علاوه بر جانمایه و غرض شعر، جنبه‌های صوری و زیبایی‌شناختی شعر را نیز، تا اندازه‌ای، منتقل کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه گزینش گرانه، زمینه زبانی و زمانی، جنبه‌های زیبایی‌شناختی.

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول).  
majifata@piau.ac.ir

۲. کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی.  
saleh.tabatabai@yandex.com

1. Assistant Professor, Islamic Azad University.  
2. B. A. in English Literature, Shahid Beheshti University.

## مقدمه

مقاله حاضر در پی پاسخ دادن به آن دو پرسش مهم است، ولی به جای پرداختن به مباحث نظری محض در باب ترجمه شعر بر آن شده است که به روشی روشن‌تر و سراسرتر، به واسطه نقد و بررسی نمونه‌ای از برگردان فارسی‌گزینش‌گرانه‌ای از یکی از منظومه‌های انگلیسی مهم به این دو پرسش پاسخ گوید. بدین ترتیب، نوشتار حاضر به این نتیجه می‌رسد که در هر ترجمه‌گزینش‌گرانه مقبولی، دست‌کم، باید دو شرط لازم، یعنی حفظ زمینه‌های زبانی و زمانی شعر، فراهم آمده باشد. با این‌همه، چنین ترجمه‌ای ممکن است نتواند همه زیبایی صوری شعر و گستره کامل مفاهیمی را که در شعر به بیان درآمده است تمام و کمال باز بیافریند. به دیگر سخن، اینها دو شرط لازم، و نه کافی، برای ترجمه‌گزینش‌گرانه شعرند؛ شروط دیگری نیز باید رعایت شوند، از جمله حفظ و انتقال مؤلفه‌های وابسته به فرم، به‌ویژه زیبایی‌های صوری اثر ادبی، تا ترجمه‌گزینش‌گرانه شعر مقبول طبع افتد.

## پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق و بررسی نظری ترجمه‌گزینش‌گرانه شعر چندان دراز نیست. تا جایی که پیداست تنها بررسی نظری ترجمه‌گزینش‌گرانه که از آثار منظوم پدید آمده است به نویسنده هندی‌الاصل،

از دیدگاه نظری، مجال گسترده‌ای برای بحث درباره امکان‌پذیری ترجمه شعر وجود دارد. می‌توان درباره امکان حفظ مؤلفه‌های اصلی شعر در ترجمه آن بحث کرد، یا در پی یافتن پاسخ این پرسش مهم برآمد که آیا ممکن است که ترجمه یک شعر نیز، به نوبه خود، شعر یا، دست‌کم، اثری ادبی باشد.<sup>۱</sup> این موضوعات از مسائل خطیری‌اند که در نظریه‌پردازی درباره ترجمه شعر می‌توان به آنها پرداخت. البته هنگامی که از ترجمه شعر سخن رود، فرض بر آن است که چنین ترجمه‌ای اجمالاً پیام اصلی شعر را منتقل کرده است - هر چند که ای بسا در انتقال همه پیام‌های مرتبط به متن (از جمله، پیام‌های وابسته به فرم) موفق نبوده باشد - و گرنه نمی‌توان و نباید چنین برگردانی را «ترجمه» خواند. برگردانی که حتی نتواند مفاهیم واژگان و جملات متن اصلی را، هرچند به اجمال، انتقال دهد، اصلاً ترجمه نیست، چه رسد به آنکه ترجمه‌ای «ادبی» باشد. از این رو، همه این مباحث نظری فرع بر وجود ترجمه‌ای «مقبول» از شعر است. اما ترجمه مقبول را می‌توان به پیروی از یوجین نایدل<sup>۲</sup> چنین تعریف کرد: «بازتولید نزدیک‌ترین برابر نهاده طبیعی زبان مبدأ». (به نقل از نیومارک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱: ۳۶)

حال به فرض داشتن ترجمه‌ای مقبول از یک شعر، می‌توان دو پرسش مهم دیگر را پیش کشید: آیا برگردان ابیاتی‌گزینشی از آن شعر اجمالاً کاری رواست؟ و اگر روا باشد، آیا به هیچ قید و شرطی مقید نیست؟

۱. در این باره مثلاً ن. ک.:

Gérard Genette. *Palimpsests: Literature in the Second Degree*, p. 215ff.

2. Eugene A. Nida (1914-2011)

3. Newmark

### روش‌شناسی

در نوشتار حاضر کوشش شده‌است تا با ارزیابی برگردان فارسی<sup>۵</sup> دو قطعه از منظومه بلند به یادبود ای. اچ. اچ. شاهکار آلفرد لرد تنیسون<sup>۶</sup> (۱۸۹۲-۱۸۰۹)، کاستی‌های این برگردان را که آن را همچون ترجمه گزینش‌گرانه نارسایی درآورده است برشمارد و از این راه به الزاماتی برسد که رعایت آنها شرط لازم هر ترجمه گزینش‌گرانه مقبولی است. در این بررسی ارزیابانه کوشش شده است که به جز توجه به دقایق کلامی و معنایی شعر انگلیسی و چگونگی بازتاب آنها در این ترجمه فارسی، زمینه تاریخی-اجتماعی پیدایش آن شعر نیز در نظر گرفته شود، چه در جای خود به اثبات رسیده‌است که نمی‌توان، یک‌سره فارغ از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیدایش اثری ادبی، به فهم و در نتیجه، به ترجمه درست و دقیقی از آن پرداخت. (کارول<sup>۷</sup>، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۱۲). از این رو، بخش‌های آغازین این نوشتار به بررسی زمینه‌های پیدایش (یا به طور خلاصه، زمینه‌یابی<sup>۸</sup>) این شعر اختصاص یافته است. سپس برگردان فارسی شعر آورده و، به تفصیل، ارزیابی شده است. آن‌گاه، با جمع‌بندی مطالب مذکور، نتیجه‌گیری‌هایی کلی در

پراتیما د. شاستری<sup>۴</sup>، برمی‌گردد. وی در کتاب خود، ابعاد بنیادین ترجمه (۲۰۱۲)، پس از ذکر ترجمه هندی گزینش‌گرانه‌ای از منظومه بلند صدای سایه اثر مارگارت اتوود و بررسی تحلیلی آن (۵۳-۵۴)، نتیجه می‌گیرد که ترجمه شعر نمی‌تواند از قبیل ترجمه سخن‌پردازانه (paraphrase) یا ترجمه تحت‌اللفظی باشد، بلکه نیازمند چیزی است که آن را فرآفرینش‌گری (transcreation) می‌خواند که به رأی او، نوعی از بازآفرینی متن است که در آن، لطایف و ظرایف متن اصلی و جنبه‌های زیبایی‌شناختی و شاعرانه آن منتقل شود تا خواندن ترجمه شعر همچون خواندن خود شعر تجربه‌ای لذت‌بخش باشد. (۵۵) اما شاستری آشکارا به دو پرسش پیش‌گفته پاسخ نمی‌دهد. در واقع، او درباره دریاست‌های «ترجمه گزینش‌گرانه» شعر سخنی نمی‌گوید و شروط لازم و کافی برای پدیدآوردن چنین ترجمه‌ای را بر نمی‌شمارد. در مجموع، می‌توان ادعا کرد که هنوز جا دارد درباره ابعاد نظری ترجمه گزینش‌گرانه شعر به بررسی پرداخت، و، در واقع، این مقاله کوشیده است که همین هدف را پی جوید. نکته دیگری که از بررسی این پیشینه حاصل می‌شود این است که وی از اصطلاح Excerpt Translation برای توصیف ترجمه گزینش‌گرانه بهره برده است. چون این اصطلاح به لحاظ مفهومی با صفت Selective نیز بسیار قرابت دارد، به خاطر حفظ انسجام در دنبال کردن پژوهش در این زمینه، اصطلاح وی را برگزیده‌ایم.

4. Shastri, Pratima D

۵. این برگردان فارسی از آقای دکتر حسین الهی قمشه‌ای در مأخذ ذیل انتشار یافته است: الهی قمشه‌ای، حسین و بهشتی شیرازی، سید احمد، کیمیا، دفتر سوم، تهران: انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۸۲، صص ۳۲-۳۴.

6. Alfred Lord Tennyson

7. Carroll

8. Contextualization

و یکی از برترین منظومه‌های انگلیسی سده نوزدهم برشمرده‌اند.

تأملات شاعر در سوگ دوست نزدیکش در این منظومه بلند سررشته سخنش را به بسیاری از مهم‌ترین و ژرف‌ترین دغدغه‌های فکری او و عصری که در آن می‌زیسته کشانیده است. عنوان نخستین این منظومه «راه جان»<sup>۱۸</sup> بود (ریکس<sup>۱۹</sup>، ۱۹۸۹: ۲۰۲) و همین نشان می‌دهد که این شعر تا چه اندازه‌ای سلوک روحی و فکری تنیسون را درباره مسائل فلسفی، علمی و اجتماعی عصر ویکتوریایی بازمی‌نماید. تنیسون در برخی از قطعه‌های این منظومه آشکارا به شک و نومیدی می‌گراید و مثلاً چنین می‌سراید: دستان افلیج ایمان را می‌کشایم و کورمال می‌گردم، و خاک و خاشاک گرد می‌آورم، و می‌خوانم به درگاه آنکس که او را خداوندگار همگان می‌انگارم، و اندک امیدی می‌بندم به آن امید بزرگ‌تر<sup>۲۰</sup>.

او حتی در برخی دیگر از قطعه‌های منظومه‌اش، چنان‌که خواهیم دید، گاه این شک را

خصوص دو شرط لازم برای ترجمه گزینش گرانه ارائه شده است. در پایان، پاره‌ای از دیگر شروطی که در کنار دو شرط لازم مذکور می‌توانند ترجمه گزینش گرانه مقبولی از شعر پدید آورند، و نمونه احتمالی چنین ترجمه‌ای از همین بخش‌های منظومه تنیسون ذکر شده است.

### بررسی زمینه پیدایش اثر

آلفرد لرد تنیسون شاعر نامور عصر ویکتوریایی و ملک‌الشعرا دربار (۱۸۹۲-۱۸۵۰) انگلستان بود. سروده‌هایش فاخر و موسیقایی‌اند و شاعران انگلیسی چندان نتوانسته‌اند به ظرایف زبانی او دست یابند. برخی از مهم‌ترین آثارش عبارت‌اند از «بانوی شالوت»<sup>۹</sup>، «شادخواران»<sup>۱۰</sup>، «اولیس»<sup>۱۱</sup>، دو داستان بلند به نام «عمارت لاکسلی»<sup>۱۲</sup>، و مجموعه اشعار بلندی درباره افسانه آرتوری به نام چکامه‌های شاه<sup>۱۳</sup>. از مهم‌ترین رویدادهای زندگی تنیسون مرگ ناگهانی دوست دوران تحصیل و ندیم دائمی‌اش آرتور هنری هلم<sup>۱۴</sup> بود. او یکی از معروف‌ترین منظومه‌های غنایی‌اش را به عنوان به یادبود ای. اچ. اچ.<sup>۱۵</sup> در سوگ این دوست نزدیک و هم‌درسش در کیمبریج، که در ۱۸۳۳ بر اثر خونریزی مغزی در وین درگذشته بود، سرود. (بلک<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۲: ۱۹۷) ویژگی مهم این منظومه بلند، که در ۱۳۳ قطعه (کانتو) در ۱۸۴۹ به انجام رسید<sup>۱۷</sup>، آن است که تنیسون آن را در قالب سروده‌ای غنایی، و نه همچون سوگواره یا مرثیه صرف، طی بیش از شانزده سال به نظم کشید. بسیاری از صاحب‌نظران این اثر را شاهکار تنیسون

9. The Lady of Shalott

10. The Lotos-Eaters

11. Ulysses

12. Locksley Hall

13. Idylls of the King

14. Arthur Henry Hallam

15. In Memoriam A. H. H.

16. Black

۱۷. پیش‌درآمد (prologue) این منظومه در ۱۸۴۹ پس از اتمام

بقیه شعر سروده شد (بلک، ۲۰۱۲: ۱۹۷). انتشار منظومه بدون

نام سراینده‌اش در اواخر مه ۱۸۵۰ به وقوع پیوست. (ریکس،

۱۹۸۹: ۲۰۱)

18. "The Way of the Soul"

19. Ricks

20. I stretch lame hands of faith, and grope, And gather dust and chaff, and call To what I feel is Lord of all, And faintly trust the larger hope.

### برگردان فارسی

نیاز به گفتن ندارد که برگردان فارسی شاهکار منظوم تنیسون را باید ارمغان ارزنده‌ای برای بسیاری از ادب‌دوستان فارسی‌زبان دانست، ولی ترجمه دقیق و روان این منظومه بلند کاری چنان دشوار و توان‌فرساست که کمتر مترجمی زحمت آن را به جان می‌خورد. از این‌رو، تا زمانی که مترجم سخت‌کوشی حاضر به ترجمه همه این منظومه نشود، چه بسا بر این گمان رویم که بهترین شیوه معرفی آن به فارسی‌زبانان برگردان بخش‌های درخشانی از آن به فارسی است. این شیوه‌ای است که نه تنها ممکن است در خصوص این منظومه، بلکه در مورد بسیاری از آثار ادبی مفصل و مطول نیز به کار بسته شود. برگردان فارسی آقای دکتر حسین الهی‌قمشه‌ای نیز فقط شامل بخش‌هایی از قطعه‌های ۵۴ و ۹۶ منظومه به یادبود ای. اچ. اچ. است. مترجم محترم، علاوه بر برگردان فارسی این بخش‌ها، توضیحاتی را نیز به صورت پانوشت به ترجمه خود افزوده است. در اینجا، نخست، ترجمه او را از بخشی از قطعه ۵۴ این منظومه می‌آوریم:

«من چیستم؟

من خود چیستم؟

می‌ستاید و گاه چون کودکی گریان بر ایمان خویش بیمناک است. این همان شکاکیتی است که می‌توان آن را از ویژگی‌های بارز عصر تنیسون برشمرد. در آن روزگار، تعارض خطیر میان ایمان مسیحی و علم نوینی که پیوسته در حال پیشرفت بود شدت گرفت. مثلاً عصر تنیسون عرصه مناقشات فراوانی بر سر مسئله «تکامل انواع» بود، که با انتشار اثر چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹)، منشأ انواع (۱۸۵۹)، که فرایند تکامل انواع را از طریق انتخاب طبیعی و حفظ نژادهای کارآمد در تنازع بقا وصف می‌کرد، به اوج رسید. تنیسون در برخی از سروده‌هایش، از جمله در منظومه موردنظر، نشانه‌های آشکاری از تأثیرپذیری از این مباحث جنجالی را به نمایش نهاده است. با آنکه منظومه به یادبود ای. اچ. اچ. حدود ده سال پیش از انتشار کتاب داروین تکمیل شد، در پاره‌ای از بخش‌ها آشکارا به آراء برخی از زیست‌شناسان آن روزگار که بعداً در قالب سازمان‌یافته‌تری «نظریه داروینی» خوانده شد اشاراتی دارد. (سکورد<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۰: ۵۳۰)

اما در پیش‌درآمد منظومه‌اش، که آن را در پایان کار و پس از اتمام بقیه شعر به آن افزود، گویی، پس از التیام زخم فراق دوست محبوبش، امید دوباره‌ای می‌یابد و به ایمان بازمی‌گردد. همان‌جا است که از آشتی نهایی میان ایمان، که آن را «باور کردن آنچه نتوان اثبات کرد»<sup>۲۲</sup> تعریف می‌کند و دانش<sup>۲۳</sup> (یا به تعبیری، عقل)، که آن را فروغی در دل تاریکی از سوی خدا می‌داند<sup>۲۴</sup>، سخن می‌گوید و به هم‌نوایی این دو با هم امید می‌بندد<sup>۲۵</sup>.

21. Secord

22. By faith, and faith alone, embrace, *Believing where we cannot prove.*

23. knowledge

24. We have but faith: we cannot know; For knowledge is of things we see *And yet we trust it comes from thee, A beam in darkness: let it grow.*

25. Let knowledge grow from more to more, But more of reverence in us dwell; *That mind and soul, according well, May make one music as before.*

آفریدگار روز و شب است در تمامی شب با او بود از آن‌که او را تنها در نور نباید جست بلکه در تاریکی نیز از او نشان توان گرفت. (همان‌جا، ۳۳-۳۴) آنگاه مترجم این توضیحات را در پانویشت آورده است:

«نکته بدیعی است که بر خاطر تنیسون گذشته است: آن‌کس که «جاعل الظلمات والنور» است و مدبراللیل و النهار است بی‌گمان در مجعول و مخلوق خویش حضور دارد، از آن‌که به تعبیر صدرالمتهلین حیثیت تعلیلیه داخل در اشیاء است یعنی علت در معلول خویش داخل است که اگر نباشد معلول فرومی‌افتد... از این-رو، خدا را چنان‌که در نور، در ظلمت نیز می‌توان یافت و چنان‌که در یقین، در شک نیز می‌توان شناخت...» (همان‌جا: ۳۴)

#### ارزیابی برگردان فارسی

به طور کلی، ترجمه شعر را می‌توان از دو منظر بررسی و ارزیابی کرد: شکل (صورت) و محتوا. در بررسی صوری برگردان شعر می‌توان چنین نکاتی را در نظر گرفت: کامل یا ناقص (گزینشی) بودن ترجمه، رعایت یا عدم رعایت ترتیب ابیات سروده اصلی در ترجمه، حفظ

کودکی که در شب گریه می‌کند  
کودکی که در تاریکی برای نور گریه می‌کند  
و هیچ زبانی جز گریه ندارد». (الهی‌قمشه‌ای و بهشتی شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۲)

بی‌درنگ مترجم در ذیل این برگردان فارسی در پانویشت همان صفحه این توضیحات را افزوده است:

«گریه رمز نیاز و عرض اشتیاق است... و این همه عرض نیاز و گریه و زاری که در ادب عرفانی پارسی می‌بینیم همه نشان عاشقی و شوق به وصال آن کسی است که نور آسمان‌ها و زمین است:

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست

چشم‌گریبان چشمه فیض خداست

تا نگرید ابر کی خندد چمن

تا نگرید طفل کی نوشد لبن

برق عقل ما برای گریه است

تا بگرید نیستی از شوق هست

(مثنوی<sup>۲۶</sup>، همان‌جا)

اما برگردان فارسی مترجم محترم از بخشی از قطعه ۹۶ این منظومه چنین است:

حیران و سرگردان در وادی شک و یقین

اما پاک و یک‌دست در کردار

آهنگ عمر را به پایان بُرد.

بی‌گمان در شک صادقان بیش از یقین عامه مردمان از نور ایمان نشان توان دید او با شک و ریب پیکار کرد اما نخواست کورانه در امری داوری کند و از این پیکار توانی تازه یافت با اشباح وهم‌انگیز اندیشه‌های پرابهام روبه‌رو شد و آنها را به خاک نشانند و سرانجام در خود ایمانی قوی‌تر یافت و آن قادر متعال که

۲۶. استاد الهی قمشه‌ای هر سه بیت را به مثنوی معنوی مولانا منسوب کرده است. اما بیت نخست («گریه بر هر درد بی‌درمان دواست/ چشم‌گریبان چشمه فیض خداست») از مثنوی معنوی (و حتی از الحاقات آن) نیست، هر چند که بیت دوم از دفتر پنجم (بیت شماره ۱۳۴) و بیت سوم از دفتر چهارم (بیت ۳۳۲۱) آن کتاب نقل شده‌اند.

but در بیت نخست این بند نیز از قلم افتاده است تا کمترین نشانی از پیوند این بند با بند پیشین دیده نشود. ("So runs my dream; but what am I?"<sup>27</sup>) نکته مرتب به این مطلب عنوانی است که مترجم برای این بخش از منظومه برگزیده است: «من چیستم؟» با توجه به آنکه در شعر اصلی چنین عنوانی وجود ندارد، رسم معمول آن است که نخستین بیت شعر را همچون عنوان برگزینند، ولی چون مترجم بیت نخست را به صورت ناقص نقل و ترجمه کرده است، عنوان شعر نیز به نظر ناقص می‌آید زیرا، چنان‌که در بخش بررسی محتوایی این ترجمه خواهد آمد، این شعر درباره «چیستی من» نیست تا بتوان عنوان «من چیستم؟» را برای آن برگزید.

اما این ترجمه فارسی از نظر محتوا نیز درخور توجه نفاذانه است. چنان‌که از توضیحات مترجم فارسی در ذیل ترجمه‌اش برمی‌آید، به رأی او، مضمون اصلی شعر اولاً «گریه» ای است که «رمز نیاز و عرض اشتیاق است»، و ثانیاً چیستی آدمی یا نفس ناطقه است که همانا «خواستن و عشق داشتن» است. سپس این نکته را می‌افزاید که «این همه عرض نیاز و گریه و زاری که در ادب عرفانی پارسی می‌بینیم همه نشان عاشقی و شوق به وصال آن کسی است که نور آسمان‌ها و زمین است» و در تأیید گفته‌اش بر آن شده است که به ابیاتی از مثنوی معنوی

تعداد ابیات شعر اصلی در ترجمه یا عدم حفظ آن، استفاده یا عدم استفاده از نشانه‌های سجاوندی متناظر با آنچه در منظومه اصلی به کار رفته است و منظوم بودن یا نبودن ترجمه. اما در بررسی محتوایی ترجمه شعر به مسائل خطیری چون دقت در برگردان معانی واژگان شعر (پایبندی به دلالت ظواهر الفاظ<sup>27</sup>)، انتقال دقیق مفاهیم ضمنی شعر و مراعات سیاق آن (حفظ دلالت ضمنی<sup>28</sup> ابیات) و انتقال جان‌مایه<sup>29</sup> یا مقصود اصلی<sup>30</sup> شعر توجه می‌شود. در اینجا نیز، به پیروی از این رسم، ترجمه‌های فارسی این دو قطعه از منظومه تیسون به لحاظ صوری و از نظر محتوایی، به صورت جداگانه، بررسی و ارزیابی خواهند شد.

#### - ترجمه فارسی قطعه ۵۴

از نظر صوری، برگردان فارسی قطعه ۵۴ منظومه تیسون در ترجمه استاد قمشه‌ای برگردانی بیش‌از اندازه گزینش‌گرانه است، بدین معنا که تنها آخرین بند از قطعه ۵۴ منظومه برگزیده شده و حتی آن بند نیز به طور کامل نقل و ترجمه نشده است. (ن.ک. پیوست مقاله) با مراجعه به اصل شعر آشکار می‌شود که در این ترجمه، عبارت «چنین است رؤیای من» از آغاز بیت نخست این بند حذف شده است؛ دلیل چنین حذفی نیز کمابیش روشن است. این عبارت به آرزوی شاعر در بند پیشین اشاره دارد، و از آنجا که مترجم نخواسته به ترجمه بند پیشین پردازد، این بخش را از آغاز بیت نخست این بند حذف کرده است. جالب اینجاست که حتی در این ترجمه، برگردان واژه

27. denotation  
28. connotation  
29. theme  
30. purpose

است که ایمان شاعر هیچ آرامش نزدیکی برایش فراهم نیاورده است. تنیسون اظهار می‌دارد که ایمانش تنها امیدی است، ولی او، آن‌چنان‌که هست، در مقیاس کیهانی، جز اندکی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟ به نظر می‌رسد که استفاده از استعاره شیون و زاری طفل در این جا و تکرار آن از سوی شاعر بر بیهودگی این کوشش‌ها تأکید می‌ورزد». (پیت ۳۲، ۲۵/۹/۲۰۱۴).

بنا بر آنچه گذشت، چنین می‌نماید که ترجمه گزینش گرانه و توضیحات مترجم از مضمون اصلی شعر و زمینه تاریخی-اجتماعی پیدایش آن فاصله گرفته و مضمونی عرفانی برای این شعر برساخته است: چنین می‌نماید که این شعر نه درباره گریه‌ای است که «نشان عاشقی و شوق به وصال» است و نه درباره چپستی آدمی یا نفس ناطقه است که، به رأی مترجم و شارح شعر، همانا «خواستن و عشق‌داشتن» است. آن ابیاتی هم که از مثنوی معنوی در شرح این شعر آورده شده است تناسب چندانی با مضمون آن ندارد.<sup>۳۳</sup>

۳۱. مثلاً درباره غایت‌مندی آفرینش و اینکه فرجام جهان نیکی و خیر است، نه بدی و شر و درباره اینکه خداوند جهان را سراسر کامل آفریده است سخن می‌گوید و سپس اظهار می‌دارد که معرفت آدمی راهی برای اثبات اینها ندارد، بلکه باید امید داشت که چنین خواهد شد (ن.ک.: متن کامل این قطعه در پیوست). به طور کلی، تنیسون، چنان‌که در آغاز این نوشتار آمد، ایمان را «باورکردن آن‌چه نتوان اثبات کرد» می‌داند.

### 32. Piette

۳۳. حتی شاید بهتر می‌بود که به جای آن ابیات از مثنوی معنوی، در تأیید مضمون این شعر به مصراع نخست این بیت از دیوان شمس استناد می‌شد که «همچو مادر بر بچه لرزیم بر ایمان خویش/ از چه لرزد آن ظریف سربه‌سر ایمان شده». (دیوان شمس، غزل ۲۳۷۰)

استناد جوید که «گریه بر هر درد بی‌درمان دواست/ چشم گریان چشمه فیض خداست...»، هرچند، چنان‌که در پانوش ۲۶ آمده است، این بیت اصلاً از مثنوی معنوی نیست. اما چنین می‌نماید که پیوند این بند با بند پیشین خواننده شعر را به مضمون دیگری، ناهماهنگ با مضمونی که مترجم در نظر داشته است، رهنمون می‌سازد. تنیسون در بندهای پیشین از محدودیت معرفت آدمی در شناخت اسرار هستی سخن می‌گوید<sup>۳۱</sup>، ولی اظهار امیدواری می‌کند که با همه ناتوانی‌های بشر در فهم این اسرار، نیکویی و خیر سرانجام فرابرسد، هم‌چنان‌که بهاران پس از خزان فرامی‌رسد. آنگاه، در بند مورد نظر، که آخرین بند این قطعه است، می‌گوید: این رؤیا و آرزوی من است، اما اکنون من چگونه‌ام؟ همچون طفلی که در تاریکی رها شده است و برای روشنایی می‌گرید و زبانی جز گریه و زاری ندارد. این سخن نشان از آن دارد که ایمان شاعر (که همانا امیدش برای رسیدن به روشنایی است) آرامش و جمعیت خاطری به او نبخشیده است، زیرا در آرزوی روشنایی به تلخی می‌گرید و زبانی جز زاری ندارد. این کمابیش همان برداشتی است که از سوی برخی دیگر از شارحان تنیسون نیز ابراز شده است، چنان‌که الیزابت پیت در نوشته‌اش با عنوان «امید دینی و شک در منظومه به یادبود ای. اچ. از تنیسون» درباره این قطعه و بند مورد نظر می‌نویسد: «در این بندهای شعر، تنیسون این مطلب را پیش می‌کشد که حتی اگر امیدهای آدمیان، که هیچ نمی‌دانند، به ثمر بنشینند و برآورده شوند، این امیدها بسی دورند. روشن

## - ترجمه فارسی قطعه ۹۶

از نظر صوری، ویژگی‌های این ترجمه بدین قرار است:

۱. ترجمه باز بیش از اندازه «گزینش‌گرانه» است، بدین معنا که بند پایانی این قطعه که پیوند آشکاری با بقیه بندها دارد، چنان‌که خواهیم دید، اصلاً نقل و ترجمه نشده است.

۲. تعداد ابیات در ترجمه بر طبق شعر اصلی حفظ نشده است: دوازده بیت انگلیسی نقل شده، ولی این ابیات به شانزده سطر فارسی برگردانده شده‌اند. همچنین ترتیب ابیات در این ترجمه، مطابق با شعر اصلی، حفظ نشده است. مثلاً سطر نهم ترجمه (و از این پیکار، توانی تازه یافت) پس از عبارت «و نخواست کورانه در امری داوری کند» آمده، حال آنکه در شعر اصلی سطر مذکور ("and gather'd strength") پیش از عبارت اخیر آمده است.

۳. نشانه‌های سجاوندی تقریباً به طور کامل از ترجمه رخت بر بسته‌اند (به جز دو مورد استفاده بجا از نقطه و یک مورد کاربرد نابجای ویرگول)؛ از این رو، شعر اصلی و این ترجمه از نظر کاربرد نشانه‌های سجاوندی تناظری با هم ندارند.

۴. ترجمه منظوم یا موزون نیست.

اما از نظر محتوایی، این ترجمه دارای خصوصیات است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. در برگردان مفاهیم برخی واژگان شعر از دقت چندانی برخوردار نیست. مثلاً در بندی که با مطلع "Perplexed in faith, but pure in

"deeds آغاز می‌شود، دو بیت پایانی آن چنین ترجمه شده است: «بی‌گمان در شک صادقان بیش از یقین عامه مردمان از نور ایمان نشان توان دید»، ولی در اصل انگلیسی کمترین نشانی از عبارتی متناظر با «یقین عامه مردم» دیده نمی‌شود؛ آنچه این عبارت در برابرش آورده شده است *half the creeds*، به معنای نیمی از آن عقاید دینی (مسیحی)، است. در واقع، شاعر می‌گوید: «باور کن که در شک صادقانه ایمان بیشتری هست تا در نیمی از آن عقاید (مسیحی)». شاعر شک صادقانه را بر یقین، از آن هر کسی و از هر نوعی که باشد، ترجیح نداده است، بلکه چنین شک را از نیمی از آن عقاید دینی (مسیحی) برتر دانسته، از آن رو که در چنین شک نشان صادقانه روشن‌تری از ایمان دیده است. باید توجه داشت که واژه *creeds* به ویژه هنگامی که با حرف تعریف *the* همراه شود، به عقاید رسمی کلیسا اشاره دارد.<sup>۳۴</sup>

۲. چنان‌که پیشتر آمد، مترجم در برگردان فارسی خود بر آن نبوده است که بند آخر از قطعه ۹۶ را نقل و ترجمه کند، ولی می‌بینیم که ناگزیر ترجمه بیت اول این بند پایانی را، بی‌آنکه متن انگلیسی آن را آورده باشد، ذکر کرده است: «بلکه در تاریکی نیز از او نشان توان گرفت». این جمله به منزله ترجمه "But in the

34. The Creed: a formal statement of belief spoken in certain Christian churches (*Longman Dictionary of Contemporary English*); an authoritative, formulated statement of the chief articles of Christian belief, as the Apostles' Creed, the Nicene Creed, or the Athanasian Creed (*Random House Webster's Unabridged Dictionary*).

اصلی فاصله گرفته است. چنین ترجمه‌ای را در سطح دلالت معنایی (انتقال معانی الفاظ، حفظ مفاهیم ضمنی و سیاق شعر) نمی‌توان برگردان دقیقی از شعر تیسون به شمار آورد؛ از این‌رو، شاید وسوسه شویم که آن را ترجمه‌ای آزاد از آن شعر برشماریم، ولی باید توجه داشت که ترجمه آزاد بنا دارد که «روح» متن اصلی را، هر چند نه در قالب تنگ معانی واژگان و عبارات متن اصلی، منتقل سازد. اما در این ترجمه، چنان‌که به تفصیل گذشت، روح متن نیز تا حدی دستخوش استحاله گشته و جان‌مایه شکاکانه و ویکتوریایی‌اش زدوده و، به جایش، روحی بیگانه (رازورزانه یا فلسفی‌مآبانه؟) به درونش دمیده شده است. در عین حال، مترجم آشکارا کوشیده، هرچند نه به شیوه‌ای رضایت‌بخش، که در ترجمه‌اش به واژگان شعر اصلی پایبند بماند و از آن فاصله نگیرد. بنا بر این، باز درست نیست که این برگردان را نوعی ترجمه تقریرگونه یا سخن‌پردازانه<sup>۳۵</sup> بپنداریم. جان کلام اینکه برگردان استاد قمشه‌ای ترجمه‌ای کمابیش تحت‌اللفظی ولی نه چندان دقیق یا وفادار به جان‌مایه شعر تیسون است. با این همه، وجود شرح کمابیش مفصل ابیات در ذیل هر قطعه شاید می‌توانست مزیت این ترجمه باشد، ولی در این شرح‌ها نیز مترجم بیشتر به بررسی تطبیقی این اشعار، در مقایسه با اشعار مولوی یا با فلسفه و عرفان اسلامی، پرداخته و، چنان‌که گذشت، در مواردی، از روح اصلی شعر یک‌سره دور شده است.

darkness and the cloud» همان بیت نخست از بند آخر است که مترجم قصد نداشته آن را نقل و ترجمه کند.

۳. نکته مهم دیگری که در این ترجمه گزینش گرانه از آن غفلت شده اشارات آشکار و نهان شعر تیسون به سنت کیش مسیحی است. مترجم با تغییر «عقاید مسیحی» به «یقین عامه مردم»، چنان‌که گذشت، و نیز با حذف آخرین بند این قطعه که تلمیحات آشکاری به سفر خروج از کتاب مقدس دارد (این تلمیحات در پانوش ۴۰ همین مقاله توضیح داده شده‌اند)، گویی کوشیده است این شعر را در سیاقی عرفانی- فلسفی جای دهد، چنان‌که از توضیحاتش درباره این قطعه و از استنادش به ملاصدرای شیرازی به روشنی برمی‌آید. اما، در واقع، این قطعه به پاره‌ای از دغدغه‌های مهم عصر ویکتوریایی، از جمله شک و تردید در عقاید دینی مسیحی و برداشت آزاداندیشانه‌تر از کتاب مقدس، نظر دارد، ولی چنین حال و هوایی یک‌سره از ترجمه استاد قمشه‌ای رخت بر بسته است. از این‌رو، می‌توان این ترجمه را کمابیش بیگانه با زمینه تاریخی- اجتماعی و سیاق اصلی شعر دانست.

### بحث و بررسی یافته‌ها

به نظر می‌رسد که این ترجمه برگردانی گزینشی است و به سیاق ابیات و معانی ضمنی واژگان چندان پایبند نبوده است؛ در عین حال، به لحاظ صوری (مثلاً به لحاظ رعایت تعداد ابیات، نشانه‌های سجاوندی و جز اینها) نیز از شعر

35. paraphrase

شاید از خود بپرسیم که چه چیزی موجب شده است که مترجمی آشنا با ریزه‌کاری‌های زبان و ادبیات انگلیسی نتوانسته باشد، چنان‌که باید، از عهده ترجمه چنین شعری برآید. شاید جواب کوتاه این سؤال این باشد: گزینش‌گری بیش از حد. اما به‌راستی «حد» گزینش‌گری کجاست؟ هنگامی که بخش کوتاهی از درون شعر (یا اثر ادبی) بلندی بریده و برگزیده شود، و بیرون از سیاق یا زمینه معنایی خود و نیز بی‌توجه به بستر تاریخی-اجتماعی پیدایش آن ترجمه شود، احتمال آنکه مترجم، خواسته یا ناخواسته، گرایش‌های خود را بر آن متن تحمیل کند فزونی می‌یابد. بنابراین، دو شرط مهمی که در ترجمه گزینش‌گرانه شعر (یا هر اثر ادبی) باید رعایت شوند یکی حفظ سیاق اثر و دیگری توجه دقیق به زمینه تاریخی-اجتماعی پیدایش آن اثرند. شاید بتوان این دو اصل را با هم چنین خلاصه کرد: حفظ زمینه‌های زبانی و زمانی اثر.

به هنگام بحث درباره ترجمه فارسی قطعه‌های مذکور از منظومه تنیسون به نمونه‌هایی از مخاطرات کم‌توجهی به «زمینه زبانی» شعر اشاره کردیم و به اجمال گفتیم که چگونه ممکن است گزینش‌گری در ترجمه به انقطاع متن از سیاقش و، در بدترین حالت، به برگردان محرف آن بینجامد. آنچه از آن کمتر سخن گفتیم پیامدهای بی‌مبالاتی مترجمان در خصوص بستر تاریخی-اجتماعی یا همان «زمینه زمانی» پیدایش شعر (یا هر اثر ادبی دیگر) است. نباید از این ادعا در شگفت شد که

چنین پیامدهایی ممکن است به مراتب سهمگین‌تر از عواقب نادیده‌گرفتن زمینه زبانی شعر باشند. از مثال‌های معروفی که این نکته را به‌خوبی روشن می‌سازد بخشی از منظومه لذت‌های خیال اثر مارک اکنساید<sup>۳۶</sup> است که در آن تعبیر «plastic arm» به کار رفته است. بی‌توجهی به «زمینه زمانی» پیدایش شعر مانند آن است که مترجمی این تعبیر را به «دست پلاستیکی» برگرداند، ولی بسی نابخردانه است که گمان کنیم آن منظومه به ماده‌ای که در آن زمان هنوز وجود نداشت، و شاعر و معاصرانش درباره آن هیچ نمی‌دانستند اشاره کرده باشد<sup>۳۷</sup> - واژه «plastic» در این شعر به معنای «چالاک» است نه یکی از فراورده‌های نفتی (پلاستیک)<sup>۳۸</sup>. در برگردان منظومه تنیسون نیز کم‌توجهی به دغدغه‌های فکری شاعر و هم‌عصرانش، چنان‌که دیدیم، مترجم را به تحمیل مضامین متفاوت و حتی گاه متغایری که به احتمال زیاد، هرگز مورد

۳۶. مارک اکنساید Mark Akenside (۱۷۲۱-۱۷۷۰) شاعر و پزشک انگلیسی. منظومه لذت‌های خیال *The Pleasures of the Imagination* (۱۷۴۴) از مهم‌ترین آثارش شمرده می‌شود. ۳۷. نباید فراموش کرد که گاهی در شعری یا، به طور کلی، در اثری ادبی به‌عمد از چیزهایی سخن می‌رود که به زمان و دوره تاریخی‌ای که آن نوشته از آن حکایت دارد متعلق نیستند. این تا به هنگامی (anachronism) را که ممکن است با اهداف مختلفی، از جمله ایجاد موقعیت‌های طنزآمیز، در اثر گنجانده شود باید تا حد ممکن در ترجمه چنین آثاری حفظ کرد زیرا مورد نظر نویسنده اثر بوده است.

۳۸. در این باره ن.ک.:

Beardsley, Monroe (1970). *The Possibility of Criticism*, pp. 19-20.

اجتماعی پیدایش منظومه، پاره‌ای از مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی آن در ترجمه فارسی آن نیز بازتاب متناظری پیدا کند، هرچند که داوری درباره موفقیت آن بر عهده خوانندگان فرزانه‌اش خواهد بود:

- برگردان منظومی از دو بند آخر قطعه ۵۴

هان! چه می‌دانیم از این اسرار؟ هیچ!

لیک امیدم به "نیکی" بود و هیچ

عاقبت آید، سرانجامی رسد؛

هر خزانی را بهارانی رسد

این بُود رؤیای من: اما من اینک چیستم؟

طفل گریانی به شب؛ جز این کنون من نیستم

آن‌که می‌گرید برای نور هر شب زار زار

جز زبان شیون و زاری ندارد هیچ یار<sup>۴۰</sup>

بند ۵۴ از این منظومه شامل چهار بند چهاربیتی (یا چهارپاره) است، ولی، چنان‌که دیدیم، در ترجمه استاد الهی‌قمشه‌ای، فقط واپسین بند این قطعه به فارسی برگردانده شده، حال آنکه در برگردان منظومی که در بالا آمد دو بند پایانی این قطعه به فارسی برگردانده شده است تا سیاق کلام حفظ شود (دو بند پایانی قطعه ۵۴ در پیوست همین مقاله آمده است).

نظر سراینده منظومه نبوده واداشته است. این درس گرانیهایی است که می‌توان از ارزیابی این ترجمه فراگرفت و امیدوار بود که آن را، تا آنجا که ممکن باشد، به کار بست.

### بحث و نتیجه‌گیری

ممکن است که خواننده نکته‌سنج در اینجا بپرسد که آنچه تا به حال گفته شده، درباره کاستی‌های این ترجمه گزینش‌گرانه بوده است، ولی چگونه ممکن است که بخش‌های گزیده‌ای از همین منظومه تنیسون را به‌درستی ترجمه کرد؟ آیا چنین ترجمه گزینش‌گرانه‌ای را می‌توان به روشی دیگر، ولی به‌درستی، به انجام رساند؟ باید گفت که به لحاظ نظری، می‌توان از این شعر برگردان گزینش‌گرانه «خوبی» ساخت. اما باید توجه داشت که دو شرطی که در بالا ذکر شدند، یعنی حفظ زمینه‌های زبانی و زمانی اثر، شروط «لازم»، و نه «کافی»، برای ترجمه «گزینشی» بخش‌هایی از یک منظومه (یا اثر ادبی) اند، ولی موفقیت چنین ترجمه گزینش‌گرانه‌ای را ضمانت نمی‌کنند. به دیگر سخن، «شرط کافی» برای آنکه چنین ترجمه‌ای «موفق» از کار درآید، چندان‌که بتوان آن را نیز، به نوبه خود، اثری هنری به شمار آورد، به‌جز حفظ زمینه‌های زبانی و زمانی اثر، بهره‌مندی از حد مطلوبی از زیبایی‌های صوری و ذوق ادبی است. مثلاً در زیر ترجمه فارسی منظومی (در قالب مثنوی) از همین بخش‌های قطعه‌های ۵۴ و ۹۶ آورده<sup>۳۹</sup> و، در آن، کوشش شده است که علاوه بر حفظ سیاق کلام و زمینه‌های تاریخی-

۳۹. این ترجمه منظوم از صالح طباطبایی است، و پیش‌تر، بخش‌هایی از آن در فصل‌نامه Threshold (آستانه) منتشر شده است (ن.ک.: مآخذ در پایان همین مقاله).

۴۰. ترجمه کمابیش تحت‌اللفظی این بخش چنین است (قس). شعر انگلیسی در پیوست همین مقاله):

هان! ما هیچ نمی‌دانیم؛

ولی من می‌توانم امیدوار باشم که نیکی

سرانجام- بسی دیر- اما سرانجام، همگان را فراخواهد رسید،

و هر خزانی بهاران خواهد گشت.

An infant crying for the light:  
And with no language but a cry.

- بندهای قطعه ۹۶

Perplext in faith, but pure in deeds,  
At last he beat his music out.

۴۱. در اینجا تنیسون مطالب دو باب از سفر خروج کتاب مقدس را در هم آمیخته است: در باب نوزدهم از سفر خروج ماجرای ملاقات بنی اسرائیل با خداوند بر پای کوه سینا آمده است: «و واقع شد که در روز سیم به وقت طلوع فجر که رعد و برق و ابر غلیظی بر کوه پدید آمد و آواز کرنایی بسیار بلند که تمامی قوم در اردوگاه از شنیدن آن بر خود لرزیدند و موسی قوم را برای ملاقات خداوند از اردوگاه بیرون آورد، و در پایین کوه ایستادند.» (ترجمه فارسی کتاب مقدس، ۱۹۷۸: ۱۱۴). اما در باب سی و دوم از سفر خروج، ماجرای بنی اسرائیل پس از تأخیر موسی در بازگشت از کوه سینا و ساختن گوساله زرین به دست هارون، که در غیبت موسی رهبری قوم را برعهده داشت، آمده است: «و چون قوم دیدند که موسی در بازگشت از کوه تأخیر کرد، نزد هارون جمع شدند و او را گفتند که برخیز برای ما خدایان بساز...» (همان: ۱۳۵) چنان‌که پیداست، در تلمیح تنیسون این دو ماجرا با هم ترکیب شده‌اند.

۴۲. ترجمه کمابیش تحت‌اللفظی این بخش چنین است (قس). شعر انگلیسی در پیوست همین مقاله): او، حیران در ایمان ولی خالص در اعمال، سرانجام، آهنگ خویش را ساز کرد. باور کن که در شک صادقانه ایمان بیشتری هست تا در نیمی از آن عقاید دینی.

او با شک‌هایش ستیزه کرد و (از آن ستیزه) نیرو گرفت، و نخواست که چشم بصیرت خود را کور سازد، با اشباح هراسناک اندیشه رویارو شد و آن‌ها را فرونشاند: بدین سان، سرانجام فرا آمد.

تا ایمان استوارتری را از آن خویش سازد؛ و در آن شبانگهان، آن قدرت متعال همراه او بود همو که تاریکی و نور را می‌آفریند ولی تنها در نور مقیم نیست.

بلکه در میان تاریکی و ابر نیز، آن سان که بر فراز کهن‌قله‌های سینا، آن‌هنگام که بنی اسرائیل خدایانشان را از طلا ساختند هرچند که نفیر کرنای آسمان چنان سهمگین می‌گرید.

- برگردان منظومی از چهار بند پایانی قطعه ۹۶ سرگشته در ایمان ولی خالص به کردار آمد او چون ساز کرد آهنگ خود، هم ساز شد فرجام او افزون یود ایمان در این شک‌های صادق، بی‌گمان از نیمی از آن گفته‌ها در کیش دین‌داران مان جنگید با شک و گمان و از آن ستیزه جان گرفت چشم بصیرت را نبست با داوری‌های شگفت اشباح خوف‌انگیز را از بام اندیشه به زیرآورد و آمد این چنین چون شهسواران دلیر.

ایمان او شد استوار آنک به نیروی دلیل شب‌های دیجورش گذشت در پیشگاه آن جلیل آن ایزدی کو آفرید هم صبح‌گه هم شام را اما نبوده او مقیم تنها به آن روشن‌سرا بلکه توانی جستنش هم در شب و هم در ظلم آن سان که موسی جست او در شب به سینا دم‌به‌دم آن دم که قوم گم‌رهش از زر بتی بر ساختند هر چند غریب آسمان<sup>۴۱</sup> از آن چه در انداختند<sup>۴۲</sup> چنان‌که پیداست، در این ترجمه منظوم،

برگردان آخرین بند این قطعه، که در ترجمه استاد الهی‌قمشه‌ای نیامده، نیز گنجانیده شده است (متن کامل قطعه ۹۶ را در پیوست همین مقاله ببینید).

#### پیوست

(شامل متن انگلیسی بندهایی از قطعه‌های ۵۴ و ۹۶

از منظومه به یادبود ای. اچ. اچ.)

- دو بند پایانی قطعه ۵۴

Behold, we know not anything;  
I can but trust that good shall fall  
At last—far off—at last, to all,  
And every winter change to spring

So runs my dream: but what am I?  
An infant crying in the night:

Black, Joseph, Conolly, Leonard & Flint, Kate (2012). *The Broadview Anthology of British Literature: The Victorian Era*. Toronto: Broadview Press.

Genette, Gérard (1997). *Palimpsests: Literature in the Second Degree*, translated by Channa Newman and Claude Doubinsky. Lincoln: University of Nebraska Press.

Newmark, Peter (1991). *About Translation*. Multilingual Matters Limited

Piette, Elizabeth (2009). "Religious Hope and Doubt in Tennyson's *In Memoriam A.H.H.*" Brown University, [On-line] Available: <http://www.victorianweb.org/authors/tennyson/im/piette2.html> [retrieved from the World Wide Web on September 25, 2014]

Ricks, Christopher (1989). *Tennyson*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

Secord, James A. (2000). *Victorian Sensation*. Chicago/London: University of Chicago Press.

Shastri, Pratima D. (2012). *Fundamental Aspects of Translation*. New Delhi: Raj Press.

Summers, Della (ed.) (2003). *Longman Dictionary of Contemporary English*. Harlow: Longman Pearson Education.

Tabatabai, Saleh (2014). "Perplexed in Faith." *Threshold*. Department of English Language and Literature, Shahid Beheshti University. 8(1), pp. 124-125.

*Webster's Encyclopedic Unabridged Dictionary*, New York: Random House Value Publishing.

There lives more faith in honest doubt,  
Believe me, than in half the creeds.

He fought his doubts and gather'd strength,  
He would not make his judgment blind,  
He faced the specters of the mind  
And laid them: thus he came at length

To find a stronger faith his own;  
And Power was with him in the night,  
Which makes the darkness and the light,  
And dwells not in the light alone,

But in the darkness and the cloud,  
As over Sinai's peaks of old,  
While Israel made their gods of gold,  
Altho' the trumpet blew so loud.

## منابع

الهی قمشه‌ای، حسین؛ بهشتی شیرازی، سیداحمد (۱۳۸۲). *کیما، دفتر سوم*. تهران: انتشارات روزنه. چاپ دوم.

انجمن کتاب مقدس (۱۹۷۸). *کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)*. تهران: چاپ و صحافی فرهنگ.

کارول، نوئل (۱۳۹۳). *دریازه نقد، گذری بر فلسفه نقد*. ترجمه صالح طباطبایی. تهران: نشر نی.

Akenside, Mark (1819). *The Pleasures of the Imagination and Other Poems*. New York: J. Gray & Co. Printers.

Beardsley, Monroe (1970). *The Possibility of Criticism*. Detroit: Wayne State University Press.